

«خط فقر»، «خط بقا» و «خط فنا»

نوشته دکتر هوشنگ طالع

روزنامه‌ها خبر دادند که لایحه‌ی فقرزدایی به مجلس فرستاده شده است. برپایه‌ی سنت نادرستی که در کشورمان جریان دارد، مفاد این لایحه نیز به مانند دیگر موارد، از چشم مردم پنهان نگهداشته شد. درحالی که جا داشت که لایحه‌ای به این مهمی و با ابعادی چنین گسترده، برای اظهارنظرهای کارشناسی و بحث و بررسی، در اختیار اهل فن قرار می‌گرفت و بررسی و نقد می‌شد.

البته گفته شد که دولت لایحه را پس گرفته و قرار است لایحه «تامین ملی» را به مجلس بیاورد. چقدر زیبا هستند مثال و حکمت‌های فارسی: می‌گویند شخصی را به «ده» راه نمی‌دادند، نشانی خانه‌ی «کدخدا» را می‌گرفت. با توجه به این که آگاهی رسمی از مفاد لایحه‌ی فقرزدایی در دست نیست، امکان گفتگوی دقیقی پیرامون آن وجود ندارد، اما برصاحب‌نظران است که پیرامون مفاهیم «داشتن» و «نداشتن»، فقر ملی، توزیع ناعادلانه درآمد و ... به روشنگری بپردازند.

در رابطه با مرزبندی‌های درآمد از نظر فقر و غنا، همین اواخر، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، در گردهم‌آیی سراسری مدیران و رؤسای سازمان تامین اجتماعی، «خط فقر» را در ۵۰۰ شهر کشور برابر با ۸۵۰ هزارریال و «خط بقا» را ۴۵۰ هزار ریال در ماه اعلام کرد.

در این گردهم‌آیی، مدیرعامل سازمان مزبور، اعلام کرد که میانگین دریافتی مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۳۷۶ خورشیدی برابر با ۳۲۰ هزار ریال در ماه بوده است (۱).

با توجه به مرزبندی‌هایی که ایشان در گردهم‌آیی سراسری مدیران و رؤسای شعبه‌های تامین اجتماعی اعلام کرد، میانگین مستمری بگیران سازمان مزبور زیر «خط بقا» و یا در «خط فنا»، قرار دارد.

از سوی دیگر، هم زمان با سخنان مدیرعامل تامین اجتماعی، گزیده‌ی یافته‌های نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۷۵، از سوی مرکز آمار ایران، منتشر شد (۲).

برپایه‌ی نتایج آمارگیری مزبور، میانگین درآمد اظهار شده خالص سرانه‌ی یک خانوار شهری در سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۹۸۷۹۳۵۸ ریال (نهمصد و هشتاد و هفت هزار و نهصد و سی و شش تومان)، برآورد شده است. میانگین درآمد یک خانوار روستایی در همان سال برابر با ۵۸۶۵۰۲۷ ریال (پانصد و هشتاد و شش هزار و پانصد و سه تومان)، بوده است.

از سوی دیگر، برپایه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، میانگین تعداد افراد یک خانوار شهری برابر با ۴/۶۳ نفر و میانگین آن در مناطق روستایی کشور، برابر با ۵/۲۲ نفر بوده است (۳). از آنجا که دسترسی به نتایج تفصیلی

آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۳۷۵ امکان‌پذیر نبود، با توجه به نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، میانگین افراد دارای درآمد در خانوارهای شهری ۱/۲۳ نفر و در خانوارهای روستایی، برابر با ۱/۴۱ نفر محاسبه شده است (۴).

بدین سان، با در نظر گرفتن میانگین درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور و نیز میانگین افراد دارای درآمد در خانوارهای مزبور، میانگین درآمد سالانه‌ی افراد مزبور، به ترتیب شهری و روستایی، مبلغ ۸۰۳۱۹۹۸ و ۴۱۵۹۵۹۴ ریال بوده

شرکت سکو ایران

secco سکو

تحت لیسانس کارخانجات سکو ایتالیا

تولیدکننده:

پروفیل، در، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای،

سقف کاذب، نرده و ملزومات اداری

از سیستم پیش ساخته و پیش‌رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای

شمالی، شماره ۲۶۴، ساختمان سکو

تلفن: ۸۸۰۱۸۱۷ - ۸۹۳۸۶۶ - ۸۹۶۶۷۸

۸۸۰۱۹۰۳ - ۸۹۴۹۵۶

تلکس: SEIR ۲۱۴۳۲۷ فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

است. با توجه به ارقام یاد شده، میانگین درآمد ماهانه افراد دارای درآمد در خانوارهای شهری ۶۶۹۳۳۳ و در خانوارهای روستایی ۳۴۶۶۳۳ ریال است: در شهر، میان «خط فقر» و «خط بقا» و در روستا زیر «خط فقر» و در «خط فنا».

حال هرگاه درآمد خانوار را به تعداد افراد خانوار بخش کنیم، در آن صورت ارقام زیر را پیش روی خود خواهیم داشت:

ریال

میانگین درآمد	شهر	روستا
سالانه	۲۱۳۳۷۷۱	۱۷۷۸۱۴
ماهانه	۱۱۲۷۸۹۰	۹۳۹۹۱

تعیین حد و مرز برای «فقر»، بدون توجه به مسأله «تورم»، نمی‌تواند کارساز باشد. خوشبینانه‌ترین رقم تورم کشور در سالهای اخیر، رقمی میان ۵۰-۳۰ درصد در سال است. البته برخی کارشناسان این رقم را خیلی بالاتر برآورد می‌کنند. باتوجه به ارقام مزبور، مرزهای فقر و بقا و فنا، نمی‌توانند مرزهای ثابتی باشند. بلکه باید این گونه مرزها را مرزهای «شناور» در نظر گرفت که دستکم همراه با تورم و یا افزایش هزینه‌ی زندگی، رو به بالا در حرکتند. بدین سان، اگر مرز «فقر یا نداری» را در سال ۱۳۷۶، مبلغ ۸۵۰ هزار ریال در نظر گیریم، این رقم با نرخ تورم سالانه برابر با ۳۰ درصد، در پنج سال آینده، بیش از ۳ میلیون ریال خواهد بود.

سال مبلغ (ریال)

۱۳۷۷	۱۱۰۵۰۰۰
۱۳۷۸	۱۴۳۷۰۰۰
۱۳۷۹	۱۸۶۷۰۰۰
۱۳۸۰	۲۴۲۸۰۰۰
۱۳۸۱	۳۱۵۶۰۰۰

در گردهم‌آیی سراسری مدیران و رؤسای سازمان تامین اجتماعی، مدیرعامل سازمان مزبور، عده مستمری‌بگیران سازمان مزبور را ۶۴۰ هزار نفر اعلام کرد.

میانگین این گروه عظیم انسانی که سال‌ها

چرخ‌های صنعت و بنگاه‌های خدماتی کشور را به حرکت درآورده‌اند. امروز با دریافت ۳۲۰ هزار ریال در ماه، زیر «خط بقا» یا در «خط فنا»، قرار دارند. البته می‌دانیم که امروز یکی از بحث‌های داغ میان بازنشستگان کشوری، اختلاف دریافتی آنان با بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی است. دریافتی ماهانه‌ی بازنشستگان کشوری با سوابق خدمتی مساوی و حتی مشاغل پرمسئولیت‌تر و در بسیاری موارد، سطح سواد بالاتر، کمتر از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی است.

فقط ماهی ۲۵ هزار تومان!

برپایه‌ی آخرین آمار منتشره، مجموع کسانی که در سال ۱۳۷۵ از صندوق بازنشستگی کشوری حقوق دریافت می‌کردند، کمابیش ۴۱۱ هزار نفر بوده‌اند (۴)

جدول شماره یک مشترکین حقوق‌بگیر صندوق بازنشستگی کشوری را در سالهای ۷۵-۱۳۶۰، نشان می‌دهد.

جدول یک

سال	جمع	بازنشستگان	ازکار افتادگان	شاغلان فوت شده	بازنشستگان فوت شده
۱۳۶۰	۱۶۶۴۸۰	۱۱۷۱۹۱	۵۰۴	۲۲۳۸۲	۲۶۴۰۳
۱۳۶۵	۲۱۸۹۷۱	۱۴۴۴۴۰	۱۹۰۹	۳۲۱۰۹	۴۰۵۱۳
۱۳۷۰	۲۷۴۲۲۷	۱۷۳۸۱۹	۲۹۴۳	۴۱۹۶۷	۵۶۴۹۸
۱۳۷۱	۲۸۴۱۰۶	۱۸۰۱۸۱	۳۰۴۶	۴۲۲۷۴	۵۸۶۰۵
۱۳۷۲	۳۰۰۰۹۵	۱۹۱۸۸۷	۳۲۰۶	۴۲۶۴۴	۶۱۳۵۸
۱۳۷۳	۳۵۳۳۱۳	۲۴۰۱۵۶	۳۵۰۹	۴۵۰۹۸	۶۴۵۵۰
۱۳۷۴	۳۸۳۶۵۴	۲۶۴۵۶۱	۴۰۸۷	۴۶۸۲۸	۶۸۱۷۸
۱۳۷۵	۴۱۱۰۵۹	۲۸۶۹۹۵	۴۵۴۱	۴۸۲۷۳	۷۱۲۵۰

ماخذ: سازمان بازنشستگی کشوری، دفتر اسناد و خدمات ماشینی.

گرچه آمار دقیقی از میانگین دریافتی ماهانه‌ی مشترکین حقوق‌بگیر صندوق بازنشستگی کشوری در دست نیست، اما با توجه به ترکیب مشترکین، یعنی نسبت بازنشستگان به دیگر مشترکین (ازکار افتادگان، شاغلان فوت شده، بازنشستگان فوت شده) که دریافتی آنها از گروه بازنشستگان کمتر می‌باشد و همچنین اختلاف دریافت میان مشترکین حقوق‌بگیر از

صندوق مزبور و سازمان تامین اجتماعی، میانگین دریافتی ماهانه این گروه کمابیش ۲۵۰ هزار ریال برآورد می‌شود.

با توجه به مرزبندی‌های یادشده، اکثریت این گروه نیز زیر «خط بقا» و یا در «خط فنا»، قرار دارند.

در حال حاضر، کمابیش یک میلیون نفر از کارکنان بخش دولتی، در خدمت آموزش و پرورش کشور قرار دارند. البته باید توجه داشت که این رقم ۶۵ درصد کل کارکنان بخش دولتی را تشکیل می‌دهد.

برپایه‌ی گزارشی که در روزهای اخیر منتشر شده است، چهارصد و پنجاه هزار نفر از کارکنان آموزش و پرورش، ماهانه کمتر از ۵۰۰ هزار ریال و «درصد زیادی از آنان، شامل ۳۸ هزار معلم، زیر ۳۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند...» (۵)

بدین سان، حدود نیمی از کارکنان آموزش و پرورش، زیر «خط فقر» و در مرز «خط بقا» و

گروهی نیز زیر «خط بقا» و در «خط فنا» قرار دارند.

از سوی دیگر، باید برای این سیاهه‌ی ناقص از کسانی که در «خط فنا» قرار دارند، خیل عظیم بیکاران و بیکاران پنهان نیز افزوده شوند.

برپایه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، در زمان آمارگیری (آبان ماه ۱۳۷۵)، یک میلیون و چهارصد و هفتاد و پنج هزار

(۱۴۷۵۰۰۰) نفر بیکار جویای کار، در کشور وجود داشته است. البته این رقم در برگیرنده‌ی کسانی است که جویای کار بوده‌اند. اما، بیکاران فصلی (که جویای کار نبوده‌اند)، در سرشمار شاغلان منظور شده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به رشد جمعیت، وضع نامناسب اقتصادی کشور، کاستن برخی از بنگاه‌های اقتصادی از تعداد شاغلان و تعطیل برخی بنگاه‌های اقتصادی (صنعتی و خدماتی)، بدون تردید، عده بیکاران (جویای کار) کشور از مرز ۲ میلیون نفر نیز در گذشته است. این گروه عظیم که دارای هیچ‌گونه درآمدی نیستند، می‌بایست در «خط فنا»، طبقه‌بندی شوند.

مسأله بیکاری، تنها در قالب بیکاری آشکار نمی‌گنجد. مهم‌ترین مسأله در این میان، «بیکار پنهان» و از آن مهم‌تر، «بیکار پنهان نگاهداشته» شده است. این نوع بیکاری که گریبانگیر گروه کثیری از مردم کشور ماست، درعرف آمارگیری کشور، زیر عنوان «خانه‌دار»، نهفته می‌شود.

افزون برآن، برپایه‌ی آمار مزبور، از مجموع ۲۸۸۲۲۰۰۰ (بیست و هشت میلیون و هشتصد و بیست و دو هزار) نفر جمعیت غیرفعال دهساله و بیالای کشور، کمابیش ۴۶ درصد آنان، یعنی سیزده میلیون و یکصد و نود و سه هزار (۱۳۱۹۳۰۰۰) نفر از زنان کشور به عنوان «خانه‌دار»، رده‌بندی شده‌اند. این گروه عظیم انسانی که به تنهایی ۲۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، مولد ثروت نیستند و در نتیجه فاقد درآمدند. معلوم نیست که این تعداد را در کدام مرزبندی باید قرارداد؟

از سوی دیگر، برپایه‌ی آمار بالا ۱۲۹۶۰۰ نفر، در سال ۱۳۷۵ بیکار، اما دارای درآمد بوده‌اند. از این رو، در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، جزو افراد بیکار محسوب نشده‌اند. باید پذیرفت که اکثریت قریب به اتفاق این خیل عظیم، نمی‌توانند دارای ثروت‌های باد آورده و یا درآمدهای نامشروع باشند. اکثریت قریب به اتفاق

این بخش از جمعیت را نیز باید در زیر «خط بقا» و یا در «خط فنا»، رده‌بندی کرد.

هم چنانچه اشاره شد، مرزبندی‌ها در زمینه‌ی داشتن و نداشتن، فقر و غنای ملی و توزیع درآمد میان خانوارهای ملی، نیازمند گفتارهای گسترده‌ای است. امید است که صاحبان اندیشه و فرهیختگان جامعه، این مسأله اساسی را که ارتباط تنگاتنگ با حیات نسل حاضر و حضور شایسته‌ی نسل‌های آینده درجهان فردا دارد، مورد عنایت قرار دهند.



زیرنویس‌ها:

- ۱- روزنامه اخبار - شماره ۸۰۵ - نهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۷
- ۲- مرکز آمار ایران - روابط عمومی - ۱۶ فروردین ماه ۱۳۷۷
- ۳- تا زمان نگارش این مقاله (۱۳۷۷/۲/۱۴) نتایج تفصیلی این آمارگیری، منتشر نشده است.
- ۴- سازمان بازنشستگی کشوری - نقل از سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵
- ۵- روزنامه قدس - شنبه دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

تولیدات شرکت شیمیایی قوام کار:

- ۱- رزین: P.W.A.C. (هموپلیمر - کوبلیمر)
- ۲- آهار: جهت صنایع فرش ماشینی - صنایع موکت، پرده و پارچه
- ۳- چسب: چسب چوب - پارکت - صحنی - کاشی - لیبیل
- چسب جهت صنایع بسته‌بندی و چسب مفرغی
- چسب موکت - کاشی - سرامیکی - آهن
- چسب جهت صنایع لومینیل

تهران، خیابان دکتر فاطمی، جنب وزارت کشور، شماره ۶۵ - کدپستی: ۱۳۱۲۲ - تلفن: ۶۵۲۳۹۲، ۶۵۲۳۸۸، ۶۵۲۳۸۵۱ - فاکس: ۶۵۰۱۷۱